

دبیر کمیته کردستان محمد آنگران  
Tel: 00491635112025

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلبریان  
Tel: 00358 405758250

# ایسکرا

## ۶۳۱

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر عبدال گلبریان

۲۱ تیر ۱۳۹۱، ۱۱ ژوئیه ۲۰۱۲

چهارشنبه ها منتشر میشود

## به مناسبت دهمین سالگرد درگذشت منصور حکمت



محسن ابراهیمی

تا زمانی که فقر و استثمار و بیعدالتی و نابرابری در جهان صفحه ۵

کمیسیس کارگری شماره ۵ یادداشت سردبیر زندگینامه ژوبین رازانی با درگذشت نابهنگام وی در ۴ ژوئیه ۲۰۰۲ بسته میشود، اما زندگی منصور حکمت پایان نیافته است، سرگذشت حزب و جنبش ما همواره داستان زندگی منصور حکمت باقی خواهد ماند. تاثیرات میراث عظیمی که او برای ما بجا گذاشته است به دوره ما و نسل ما محدود نخواهد بود.

## در دفاع از ممنوعیت ختنه کودکان



کریم شاه محمدی

و اخطار دادند: دیترا گرومان، رئیس شورای مرکز یهودیان آلمان: «اگر بخواهیم به پایان این حکم فکر کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که زندگی یهودی در آلمان عملاً غیرممکن می‌شود.» و یا اینکه شورای هماهنگی مسلمانان آلمان با انتقاد از این حکم، آن را "دخاله در آزادی

دادگاهی در شهر کلن آلمان بلاخره ختنه کودکان را ممنوع اعلام کرد. این یکی از مجموعه نکاتی است که ما مدافعین حقوق کودک و مردم آزدیخواه و کودک دوست سالها است برایش می‌جنگیم. " مصدوم کردن بدن کودک به دلایل مذهبی ممنوع است" و همچنین بنا به رای دادگاه " حفاظت از حق بدنی کودکان دارای وزن قانونی سنگینتری از حق آزادی مذهبیت والدین است"، "فرد تنها در سن بلوغ می‌تواند برای این کار تصمیم بگیرد".

بعد از حکم دادگاه، تمام نهادهای مذهبی متعلق به یهودی، مسلمان، کشیشان و آیت الله‌ها و اعوان و انصارشان علیه این حکم صف کشیده، آشفته شدند

صفحه ۶

## تاکیدی مجدد بر تداوم اعتراض علیه حداقل دستمزدها! خطاب به کارگران در کردستان!

از کارگران به این جنبش اعتراضی پیوسته اند. این اعتراضات بر محور مخالفت علیه قطع یارانه‌ها که خود عامل و سبب افزایش گرانی شده است، در شکل اعتراض به حداقل دستمزدها که کفاف تامین فقط چند روز از خانواده های کارگری بدون امکانات بهداشتی، رفاهی است، در جریان است.

کارگران و مزدبگیران جامعه کردستان هنوز تحرك قابل توجهی به این اعتراضات از خود بروز ندهاده اند. در این اینجا ما خطاب به صفحه ۲

علیه حداقل دستمزدها روبرو بوده ایم. هم اکنون این اعتراضات در شکل جمع آوری امضا و ارسال نامه های اعتراضی به مقامات جنایتکار رژیم اسلامی در جریان است.

از اول ماه مه امسال(سال ۱۳۹۱) به ابتکار تشکلهای کارگری از جمله اتحادیه آزاد کارگران و با پیوستن پنج هزار نفر از کارگران و خانواده هایشان استارت این جنبش اعتراضی زده شد. سپس تعداد هر چه بیشتری از کارگران طبق آخرین اخبار در مراکز صنعتی قزوین بیش از ده هزار نفر



نسان نودینیان

آغاز جنبش اعتراضی علیه حداقل دستمزدها از مراکز صنعتی قزوین، حرکت سازمانیافته و با تداوم کارگران در سال ۱۳۹۱ است. کمتر زمانی ما با این شکل از مبارزه پیگیرانه بر اساس اعتراض

## کارگران حمل آهن آلات در سندج کارفرما و اداره کار را تسلیم خواست خود کردند

کارگران متحدانه اعلام می کنند که تا زمانی که به خواست آنها رسیدگی نشود به اعتراض و تجمع ادامه خواهند داد. لازم به ذکر است که این کارگران در ازای بار زدن هرکیلو آهن ۷ تومان دریافت

صفحه ۶

سندج تجمع می کنند. تجمع کارگران با بی اعتنائی اداره کار مواجه می شود. اداره کار از خود سلب مسئولیت میکنند و اعلام میکنند که کاری از دستش ساخته نیست.

طبق گزارشی که به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری رسیده است، روز سه شنبه ۱۳ تیرماه نزدیک به ۲۰۰ نفر از کارگران حمل آهن آلات سندج در اعتراض به ناچیز بودن حقوق خود دست از کار میکشند و در مقابل اداره کار

صفحه ۳

## سفر سه روز مینا احدی به برزیل، سخنرانی در کنفرانس بین المللی زنان

صفحه ۷

زندگی نامه من (بخش بیست و دوم) / سهیلا شریفی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## تأکیدی مجدد بر تداوم اعتراض ...

کارگران، معلمان، پرستاران بر تداوم و پیوستن آنها به این اعتراضات میپردازیم.

اعتراض به حداقل دستمزدها خواستی علنی و در چارچوب اوضاع کنونی و موقعیت طبقه کارگر مشروع و قابل دفاع است. چند فاکتور جدی برای پیوستن به اعتراض به حداقل دستمزدها.

اعتراض به حداقل دستمزدها خواستی سراسری در ابعاد میلیونی است. به زندگی و معیشت و تامین رفاه و امنیت شغلی و اقتصادی طبقه کارگر در سطح سراسری ربط مستقیم، حیاتی و ممانتی دارد. نقطه قوت اصلی و قابل اتکا برای دامن زدن و تداوم پایان دادن به فقر و گرانی و رسیدن به حداقل دستمزدها بر اساس استانداردهای اعلام شده توسط کارگران در سطح سراسری است. به قدرت و دفاع و اتحاد میلیونی طبقه کارگر، معلمان و پرستاران متکی است. محلی نیست. قدرتمند و سراسری است.

از مراکز صنعتی و کلیدی شروع شده است. امضا و حمایت هزاران کارگر صنعتی و کلیدی در تامین قدرت مند کردن این مطالبه را در خود منعکس میکند. این فاکتور خود نیز در قدرت مند کردن این اعتراضات نقش موثر و مهمی دارد. توجه افکار عمومی، رسانه ها و سایتها را بخود معطوف کرده است. دولت و کارفرما و مقامات جنایتکار جمهوری اسلامی را ملزم به جوابگویی خواهد کرد. پاسخ و عکس العمل طبقه حاکم از دولت و سرمایه داران و دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را ضعیف، و آنها ناچار با احتیاط و دست به عصا به توطئه و سرکوب دست میبرند.

تجارب اعتراضی تاکنونی، طبقه کارگر و فعالین کارگری در کردستان از سابقه و پیشینه بسیار با ارزشی در عرصه ارتباطات و اتحاد کارگران و مزدبگیران در جامعه کردستان به داده ای برگشت ناپذیر تبدیل شده است. مراسم های اول ماه مه و روز جهانی زن که اساسا توسط فعالین کارگری،

معلمان و پرستاران معترض سازماندهی شده است خود الگویی از قدرت و توان بالقوه در میان این طبقه و فعالین آنها میباشد. این تجارب و تلاش برای اعتراضات متشکل با وجود ارتباطات طبیعی با پیشینه چندین ساله یک نکته قوت مهم برای سازماندهی جمع آوری امضا و ملحق شدن کارگران، معلمان و پرستاران به جنبش - اعتراض به حداقل دستمزدها است.

اعتراض به حداقل دستمزدها خواست مشروع و قابل دفاع توسط اقشار مختلف جامعه در کردستان است. سنت دفاع و حمایت از مطالبات و اعتراضات کارگران و معلمان و پرستاران تاریخا در جامعه کردستان وجود دارد. مکانیسم این اعتراضات و جلب حمایت از مطالبات - اعتراض به حداقل دستمزدها - در درجه اول در دست کارگران، معلمان و پرستاران متشکل در مراکز کار است.

با توجه به این فاکتورها ما کارگران، معلمان و پرستاران و دیگر اقشار تهیدست جامعه کردستان را به پیوستن به اعتراض به حداقل دستمزدها فرا میخوانیم.

انعکاس خبری طومار اعتراض به سطح دستمزدها و بی حقوقی کارگران در روزنامه ها و سایت های داخل کشور؛

خبرگزاری کار ایران (ایلنا) هزار کارگر به قطع یارانهها اعتراض کردند ایلنا: بیش از ۱۰ هزار کارگر واحدهای صنعتی از ۵ استان کشور، با امضای نامهای خطاب به وزیر کار به تاثیراتی که اجرای قانونی هدفمندی یارانه ها بر زندگی آنان تحمیل کرده است اعتراض کردند. به گزارش ایلنا، کارگران در این نامه از قانون هدفمندی یارانهها با عنوان «قطع یارانهها» نام برده اند و با توجه به وضعیت اقتصادی شان براساس تورم موجود شدند. در این طومار که به امضای بیش از ۱۰ هزار کارگر شاغل در ۵ استان کشور در کارخانههایی از جمله دارو شیشه، مهرا، فرش پارس، هفت الماس و... رسیده است، کارگران

تهیه پیش نویس اصلاحیه قانون کار را «اصلاحیه ای ضد کارگری» دانسته اند که امنیت شغلی و معیشت آنان را نشانه رفته است. کارگران امضا کننده نامه همچنین به تعویق و بی نظمی در پرداخت حقوقشان اعتراض کرده اند و خواستار ایجاد ساز و کار قانونی و قاطعی برای پرداخت بموقع دستمزدها و تعقیب قضایی کارفرمایانی که کارگران را بدون قرارداد و یا با قراردادهای سفید امضا و دستمزدهای معوقه وادار به کار می کنند شده اند. خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در اواسط ماه جاری پیش خبری از تلاش کارگران جهت تهیه طوماری در اعتراض به اجرای قانون هدفمندی یارانهها با ۲ هزار امضا را منتشر کرده بود که طومار ۱۰ هزار امضایی کارگران به ثمر نشتن مرحله اول این تلاش است

**۱۰ هزار کارگر به قطع یارانهها اعتراض کردند ایران** - همشهری آنلاین:

کارگران در این نامه که از سوی خبرگزاری کار ایران منتشر شده، از قانون هدفمندی یارانهها با عنوان «قطع یارانهها» نام برده اند و با توجه به وضعیت اقتصادی شان خواستار افزایش حداقل دستمزدها براساس تورم موجود شدند. در این طومار که به امضای بیش از ۱۰ هزار کارگر شاغل در ۵ استان کشور در کارخانههایی از جمله دارو شیشه، مهرا، فرش پارس، هفت الماس و... رسیده است، کارگران تهیه پیش نویس اصلاحیه قانون کار را «اصلاحیه ای ضد کارگری» دانسته اند که امنیت شغلی و

معیشت آنان را نشانه رفته است.

**۱۰ هزار امضا در اعتراض به**

**سختی معیشت کارگران** روزنامه شرق و بورس نیوز

شرق: از زمستان ۸۹ تاکنون که قانون هدفمندی یارانهها به اجرا درآمد، این قانون پیش بینی های نگران کننده و انتقادهای بسیاری را به خود دیده است؛ پیش بینی های که از گرانی های لجام کسب یافته حکایت می کرد و حتی پیش بینی تورم ۶۰ درصدی را رقم زد. در این مدت کارگران تنها ناظر پیش بینی ها مبنی بر افزایش فشار بر اقشار کم درآمد و انتقادهای به نحوه اجرای قانون بودند اما اکنون ۱۰ هزار کارگر از واحدهای صنعتی پنج استان کشور در اعتراض به معیشت سخت خانوارهای کارگری نامه ای را خطاب به وزیر کار و رفاه اجتماعی نوشتند که ۱۰ هزار امضا پای خود می بیند.

سایت تابناک و نیوز و پیام

**سمنان اقتصادی** « داخلی

**نامه ۱۰ هزار کارگر به وزیر کار**

بیش از ۱۰ هزار کارگر واحدهای صنعتی از ۵ استان کشور، با امضای نامهای خطاب به وزیر کار به تاثیراتی که اجرای قانونی هدفمندی یارانهها بر زندگی آنان تحمیل کرده است اعتراض کردند. کد خبر: ۲۵۱۶۴۲

به نقل از زلال نیوز امضای طوماری خطاب به وزیر کار؛

۱۰ هزار کارگر به قطع یارانهها اعتراض کردند

کد خبر: ۲۶۰۳۶

شنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۱، ساعت ۱۷:۲۶

در این طومار که به امضای بیش از ۱۰ هزار کارگر شاغل

در ۵ استان کشور در کارخانههایی از جمله دارو شیشه، مهرا، فرش پارس، هفت الماس و... رسیده است، کارگران تهیه پیش نویس اصلاحیه قانون کار را «اصلاحیه ای ضد کارگری» دانسته اند که امنیت شغلی و معیشت آنان را نشانه رفته است

بیش از ۱۰ هزار کارگر واحدهای صنعتی از ۵ استان کشور، با امضای نامهای خطاب به وزیر کار به تاثیراتی که اجرای قانونی هدفمندی یارانهها بر زندگی آنان تحمیل کرده است اعتراض کردند. آفرینش روزنامه سراسری صبح ایران

بیش از ۱۰ هزار کارگر واحدهای صنعتی از ۵ استان کشور، با امضای نامهای خطاب به وزیر کار به تاثیراتی که اجرای قانونی هدفمندی یارانهها بر زندگی آنان تحمیل کرده است اعتراض کردند.

آفتاب: بیش از ۱۰ هزار کارگر

واحدهای صنعتی از ۵ استان کشور، با امضای نامهای خطاب به وزیر کار

به تاثیراتی که اجرای قانونی هدفمندی یارانهها بر زندگی آنان تحمیل کرده است اعتراض کردند.

سایت پول نیوز اصلی < خبرگزاری پول

نیوز ۲۸/۰۳/۱۳۹۱، ۰۱:۳۷:۹

نامه ۱۰ هزار کارگر به وزیر کار

بیش از ۱۰ هزار کارگر واحدهای صنعتی از ۵ استان کشور،

با امضای نامهای خطاب به وزیر کار به تاثیراتی که اجرای قانونی

هدفمندی یارانهها بر زندگی آنان

تحمیل کرده است اعتراض کردند.



افزایش دستمزدها و برخورداری از یک زندگی انسانی حق مسلم ماست!

## سفر سه روز مینا احدی به برزیل، سخنرانی در کنفرانس بین المللی زنان



روز شنبه ۳۰ ژوئن پرواز داریم من و پتی دوبینیتا برای سومین بار راهی کشور برزیل هستیم. برای سخنرانی در یک کنفرانس بین المللی زنان. برگزارکنندگان اعلام کرده اند، کنفرانسی بین المللی در مورد زنان در برزیل برگزار میشود و علاوه بر سخنرانی از برزیل، مهمانانی از سه کشور ایران، افغانستان و کنگو نیز دعوت شده اند.

عنوان کنفرانس اینست: "زنانی که در دنیا منشاء اثر بوده اند، زنانی که دیگران را با فعالیتهای خود مسخر کرده اند".

کشور برزیل بدنبال کمپین جهانی نجات سکینه محمدی آشتیانی از سنگسار، توجه اش به فعالیتهای ما جلب شد. سمپاتی عمومی بسیار زیادی به فعالیتهای ما بویژه علیه سنگسار در این کشور وجود دارد. موضوع سکینه به یک موضوع انتخاباتی در جریان انتخابات ریاست جمهوری برزیل تبدیل شد، چرا که رابطه حسنه دولت برزیل با جمهوری اسلامی ایران، در این انتخابات به موضوع سکینه و سنگسار و وحشیگری حکومت اسلامی وصل شد و نهادهای مختلف مدافع حقوق انسانی و بویژه زنان در این کشور به این موضوع حساسیت نشان دادند. دیلما روسوف کاندیدای ریاست جمهوری یک زن بود و در مقابل این سوال قرار گرفت "در مورد سکینه چه میگوید و در مورد رابطه با جمهوری اسلامی ایران حرفش چیست؟" او در یک میتینگ انتخاباتی گفت: بعنوان یک زن از سنگسار منزعج است و برای سکینه هر تلاشی که لازم است را انجام خواهد داد. بدین

از بالا: دلارا، کبریا، نازنین پاپین: شهلا، فاطمه



احساس و برداشت من این است که کتاب بسیار جذاب و زیبا نوشته شده است. برای من که بویژه در جریان جزییات پرونده نازنین و لحظه های مهم این کمپین پر سرو صدا که باعث نجات نازنین فتحی بوم و همچنین برای من که با زنان زندانی و محکوم به اعدام دیگر که در این کتاب اسمشان به میان می آید همراه بوده و دوست آنها بودم، این کتاب مملو از هیجان و احساسات و در عین حال غم و درد است.



در داخل هواپیما و در سفر طولانی که من و پتی دوبینیتا داریم، مشغول خواندن کتاب هستم و در بعضی جاها میخواهم فریاد بزنم و یا بلند شوم و به مردمی که آرام فیلم نگاه میکنند و یا کتاب میخوانند بگویم این کتاب داستان زندگی زنانی است که در حکومتی فاشیست با همه آرزوها و امیدهایشان اعدام شده و زیر خاک رفتند... البته ما توانستیم تعداد زیادی را نجات دهیم و فشار عظیمی روی حکومت اسلامی اعمال کنیم، ولی برای تعدادی متأسفانه این فشارها هم موثر واقع نشد، چرا که حکومت اسلامی با طناب دار زنده است و هر جا و هر وقت که بتواند اعدام میکند. برای من بخشهایی از کتاب که در مورد داخل زندان است و از طریق مصاحبه با نازنین فاتحی

کنفرانس از طریق اسکایپ تبادل نظر کردیم. سخنرانی ام را به آلمانی نوشته و برای آنها فرستادم، آخرین حرف آنها این بود که در بیست دقیقه بهتر است با نمایش عکس و یا فیلم کوتاه آزاد صحبت کنم و من که خودم همواره ریودوژانیرو و برزیلیا رفتیم و ملاقات با وزیر حقوق بشر، چند سناتور و نماینده ارشد وزارت امور خارجه برزیل، از جمله فعالیتهای ما در سفر اول به برزیل بود که با انعکاس بسیار گسترده رسانه ای روبرو شد. همواره سوال کلیدی رسانه ها از من این بود، آیا دیلما روسوف سیاست دیگری با ایران دارد یا ادامه سیاست قبلی را در پیش میگیرد.؟ از نظر شما روسوف در این رابطه باید چه بکند؟

یک موضوع دیگر مورد علاقه رسانه ها امکان ملاقات روسوف با مینا احدی بود. در اولین سفر پاسخ دفتر ریاست جمهوری به سوال رسانه ها تا لحظات آخر سفر این بود، تمایل دفتر رئیس جمهور این است که این ملاقات صورت گیرد. رسانه ها در مورد اینکه سرنوشت دو زن یعنی روسوف و مینا احدی و اینکه هر دو پارتیزان بوده و علیه فاشیسم مبارزه کرده اند، مورد بررسی قرار می گرفت و اینکه این ملاقات میتواند بسیار مهم باشد. دومین بار به دعوت نهاد "تد"

به برزیل رفتیم. سخنرانی در کنفرانسی که افراد و یا چهره های سرشناس بین المللی در عرصه هنر و علم و سیاست در آنجا از تاثیرات مهم اشان در زندگی دیگران سخن میرانند، برای من یک افتخار بود. من قرار بود در این کنفرانس در مورد فعالیتهای خودم تلاش برای تثبیت تر "جهانشمولی حقوق انسانی" حرف بزنم. این برنامه نیز بسیار موفق بود و رسانه های زیادی این سخنرانی را پوشش خبری دادند. اما بار سوم میرفتیم که بطور ویژه در مورد زنان در ایران حرف بزنیم. برای آماده شدن سخنرانی ام، بارها با مسئولین

تهیه شده از جمله آشنایی نازنین فاتحی با فاطمه حقیقت پژوه مادر دو دختر جوان که محکوم به اعدام شده بود و حرفها و شخصیت فاطمه و در عین حال آشنایی نازنین با شهلا جاهد و زنان محکوم به اعدام در اوین که برای آنها کمپین گذاشته ایم، بسیار جالب بود. وجود یک حلقه از روابط انسانی بین زنان محکوم به اعدام که در مورد آنها کمپین گذاشته شده و بدلیل اعتراضات بین المللی بدلیل مطرح شدن اسم آنها در رسانه ها، در زندان هم این زنان حرمت و احترامی داشته و سعی میکردند که روابطی انسانی در بین خود و یا با دیگر زندانیان داشته باشند، تکان دهنده است. ظاهرا اسم رمز در بین این زنان، کلمه "با مینا آشنا هستی" بوده است. این موضوع که آنها امید زیادی به کمپین های بیرون از زندان داشته و لحظات این فعالیتهای را تعقیب میکردند و امیدوار بودند که بتوانند نجات پیدا کنند اکنون وقتی میبینم که بسیاری از آنها دیگر در میان ما نیستند بسیار دردناک است. اینکه متأسفانه تعدادی از آنها علیرغم اعتراضات بین المللی اعدام شدند و نتوانستند نجات پیدا کنند، برای من کوهی از غم در سینه ام جا میگذارد و در بخشهایی از کتاب میخواهم زار گریه کنم. ولی در عین حال اینکه جنبش علیه اعدام در داخل زندانهای حکومت اسلامی نیز نفوذ کرده نوع دیگری از رابطه و نگاه به زندگی و مسائل آنرا در بین محکومین به اعدام و دیگر زندانیان دامن زده است، بسیار مهم و تکان دهنده است.

در این سفر فکر میکردم که چه کار عظیمی در مقابله با اعدام، در دادن چهره به محکومین به اعدام و در دامن زدن به فرهنگ انسانی و احترام به انسان انجام گرفته و چگونه باید در مورد همه اجزا و ابعاد این مبارزه عظیم علیه حکومت اسلامی، علیه فرهنگ انتقام گرفتن و علیه بی حرمتی به انسان حرف زد و این دستاوردها را تثبیت کرد.

## از صفحه ۳ سفر سه روز مینا احدی ...

بنظر من ما موظفیم در مورد این مبارزه و در مورد چهره هایی همچون شهلا جاهد و یا فاطمه حقیقت پژوه، دلارا دارابی و همچنین فعالین سیاسی محکوم به اعدام و اعدام شده یا محکومین به سنگسار بسیار بیش از اینها حرف بزنیم....

## برزیل و استقبال از ما در فرودگاه ساوپائولو

ما روز یکشنبه یکم ماه جولای ۲۰۱۲ به فرودگاه ساوپائولو میرسیم. در محل تحویل گرفتن چمدانها می بینم که دو مامور فرودگاه به طرف ما آمده و میگویند که محافظین در بیرون منتظر هستند و ما دو نفر آمده ایم که شما را راهنمایی کنیم.

روز یکشنبه بجز چند مصاحبه، کار دیگری نداریم. فوتبال اسپانیا و ایتالیا را بهمراه چند نفر دیگر در هتل محل اقامت امان نگاه میکنیم و من با هیجان طرفدار اسپانیا هستم و در نهایت از اینکه تیم ایتالیا چهار گل میخورد، همراهان آلمانی ما در این جمع و پتی میگویند باز به ضرر تیم آلمان، که از این تیم ایتالیا چنان شکست سختی خورد... به اطاقهای خودمان میرویم فردا روز مهمی است.

## کنفرانس بین المللی زنان، زنانی که دنیا را مسحور کرده و مورد توجه قرار گرفته اند.

ساعت یک ربع به نه صبح به وقت برزیل به محل کنفرانس که در هتل محل اقامت مهمانان است، میرویم. کنفرانس به زبانهای فرانسوی، آلمانی، پرتغالی، انگلیسی است و همزمان به چند زبان که همه مهمانان بفهمند ترجمه میشود.

یک خانم بسیار دوست داشتنی آلمانی - برزیلی نیز در کل کنفرانس و سفر من به برزیل قرار



است مرا همراهی کند که در همان صبح زود او را ملاقات میکنیم و او مصاحبه های مرا با رسانه های برزیل در روز کنفرانس ترجمه میکند.

محل کنفرانس بسیار شلوغ است و ۸۰۰ نفر اسم نویسی کرده اند و هفتاد شبکه خبری در محل حاضر هستند. بیوگرافی سخنرانان با عکسهای آنها در اختیار حاضرین قرار میگیرد.



در ابتدا سخنرانان با "آنا پائولو پادراو" یک ژورنالیست سرشناس برزیلی و مجری برنامه عکس میگیرند. در آنجا استاندار ساوپائولو و همسرش، وزیر دادگستری، سفیر آمریکا در برزیل و فوزیه کوفی نماینده پارلمان از افغانستان و کاندید ریاست جمهوری در این کشور، اوالد فیلهو منتقد فیلم و مامان ماری از کنگو و بسیاری دیگر حضور دارند.

سپس من و پتی به محل کنفرانس میرویم و سالن بزرگی مملو از جمعیت را می بینیم که بیشتر حاضرین آن زنان هستند.

سخنران اول استاندار ساوپائولو است. گرالگو آلمکین و همسرش سرالو آلمکین پشت میکروفون قرار میگیرند.



برنامه ها با ترکیب فیلم و سخنرانی کوتاه پیش میرود و برخی برنامه ها نیز میز گرد و بحث است. در مجموع همه سخنرانها چنان جذاب است که کمتر احساس خستگی میکنم. یک میزگرد در مورد زیبایی و نگاه زنان و جوانان به این امر و فشار روحی و روانی که روی دختران جوان هست برای لاغر ماندن و زیبا بودن و احساس عدم رضایت از خود، با مصاحبه با جوانان و نظر سنجی های زیادی که انجام گرفته بود بسیار مورد توجه قرار گرفت. بخشی در مورد سینما و زنان در هالیوود بود و یک منتقد فیلم و سینما الگوهای مورد توجه هالیوود را بررسی میکرد و از سرنوشت زنان در این صنعت حرف میزد. سخنرانی فوزیه کوفی از افغانستان، بیشتر از روخوانی یک متن بود و در مورد بخشی از مشکلات زنان در افغانستان میگفت.

مامان ماری یک زن قوی و بسیار جالب از کنگو بود. او که تا کنون از روستای خود بیرون نیامده بود، چهار روز در راه بوده تا به ساوپائولو رسیده است. زن با اراده ای است که در محل زندگی یک سازمان غیر دولتی برای دفاع از حقوق زنان، برای کمک به زنان قربانی تجاوز و جنگ سازمان داده است و در این کنفرانس با اعتماد به نفس از این حرف زد که هر فرد سازمانی که میخواهد زنان در کنگو را

بشناسد و یا کمک کند باید به واقعیات آنجا توجه کند و از همه دعوت میکند به کشور کنگو و یا روستای محل فعالیت او بروند و از نزدیک مشکلات را ببینند.

بعد از سخنرانی مسئول یک بانك کمک به "زنان تنها" در آمریکای لاتین سخنرانی میکند. نوبت سخنرانی من در ساعت ۴ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر بود. در ابتدا فیلم کوتاهی از صدای سنگسار شدن یک زن و صدای "الله اکبر" که همراه پرتاب کردن سنگ به یک زن در هم میپیچید را پخش کردند و سپس مجری گفت اکنون مینا احدی، صدای زنان در بند، صدای انسانیت سخنرانی میکند.

برای من سخنرانی در این جمع بسیار مهم بود. در ابتدا قرار بود دیلما روسوف رییس جمهور برزیل نیز در این نشست سخنرانی کند، اما سازمان دهندگان گفتند متأسفانه او نمی آید. در مورد دلیل عدم حضور او حرف زیادی زده نشد، من روی سن رفتم. بیست دقیقه در مورد جنبش اسلامی، حکومت اسلامی، کاراکتر این جنبش، جایگاه اعدام و سنگسار در این جنبش، نحوه کار ما، دادن چهره به محکومین به اعدام و سنگسار، از موفقیت ها و یا عدم موفقیت ها و نقش سکینه محمدی آشتیانی و نقش رسانه های اجتماعی در مبارزات خودمان حرف زدم.

در انتها در مورد افول جنبش اسلام سیاسی، و تاثیرات سرنگونی حکومت اسلامی و آینده ایران حرف زدم و سپس در پایان گفتم انقلاب در ایران زنانه است و افرادی مثل من تلاش میکنند به این انقلاب چهره انسانی و مدرن بدهند. این انقلاب پیش رو میتواند عظیم و زیر و رو کننده باشد و برای دستیابی به برابری و رفاه و حرمت و انسانی باید تلاشمان را چند برابر کنیم.

سخنرانی من با تشویق گرم حاضرین روبرو شد و تعداد زیادی از حاضرین و زنان با محبت فراوان به سوی من آمده و مرا در آغوش گرفته و ابراز محبت کردند.

بعد از من آخرین سخنران کنفرانس، توماس شانون سفیر آمریکا در برزیل بود. که در ابتدا گفت که بعد از این سخنرانی مهم و موثر، من نمیدانم چه بگویم، ولی سعی میکنم سخنرانی ام را شروع کنم. او در مورد روابط اقتصادی بین برزیل و آمریکا و ضرورت گسترش دادن به آن و داشتن پروژه های متعدد از سوی دولت آمریکا حرف زد.



جنبه های متعدد دیگر این کنفرانس از جمله مصاحبه با یک خواننده معروف برزیلی "هه به" بود که مبتلا به سرطان شده و در خانه اش با او مصاحبه کرده بودند.

برزیل کشوری است که در جریان کمپین نجات سکینه، هم ما با آن جامعه بیشتر آشنا شدیم و هم بخشی از مردم و اساسا رسانه ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر و سیاستمداران آن ما را شناختند و این سومین سفر من به این کشور بود.

روز سه شنبه در حالیکه محافظین ام و بویژه یک زن محافظ با علامت به من میگفت که سخنرانی ام قلب او را تکان داده از من خواست که باهم عکس بگیریم. با این جمع دوباره عکس یادگاری گرفته و این کشور را ترک کردیم.

کلن - ۵ ژوئیه ۲۰۱۲

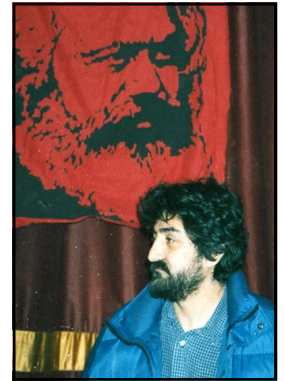
مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد.  
اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد  
(نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره)  
تحت هر شرایطی ممنوع است.  
همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از طریق سایتهای زیر به کتاب  
یک دنیای بهتر  
می توانید دسترسی پیدا کنید.  
www.wpiran.org  
حزب کثرتگرا گری ایران  
آرشیو عمومی منصور حکمت  
www.hekmat.public-archive.net



## به مناسبت دهمین سالگرد ...

از صفحه ۱



وجود دارد منصور حکمت و جنبش کمونیسم کارگری که او پرچمش را برافراشت زنده خواهد بود.

(حمید تقوایی در اولین مراسم بزرگداشت منصور حکمت در لندن، ۲۰۰۲)

وسعت تئوریک آثار او خارق العاده است. اما، همانطور که درباره مارکس می‌گویند، "عالم بودن توصیف نصف وجودش هم نیست." او "از همه بالاتر یک انقلابی بود". با تمام انسان دوستیش از "نقد سلاح" یا پس نکشید. با دو رژیم متوالی به مبارزه برخاست که اگر نه وسعت و عدالت، باری عمق و دالتشان با همه آنچه در تاریخ خونین دوران جدید جهان دیده شده برابری می‌کند. منصور حکمت بخاطر این مبارزه شایسته احترام هر انسان شایسته احترامی است. حتی کسانی که با ایده‌های او مخالفند میتوانند در نوشته‌هایش موارد اتفاق نظر زیادی با او پیدا کنند، و یا موارد زیادی پیدا کنند که بتوانند حول آن بحث‌های سازنده‌ای ارائه دهند.

(کن مک لاد. کشف منصور حکمت. ۲۰۰۳)

انتشار این شماره نشریه کمونیسم کارگری مصادف شد با دهمین سالی که منصور حکمت چشم جهان فرو بسته است. اما چشم جهان در این دهسالی که منصور حکمت در میان ما نبود، بر اتفاقات شورانگیزی باز شد. جهان در این دهسال شاهد تحرکات و تحولاتی بود که هر کدام بی تردید می‌توانست اشک

شوق بر چشمان این انقلابی مارکسیست جاری کند. اتفاقاتی که هر کدام به نحو برجسته‌ای بر صحت نقد و تصویری که این متفکر تیز بین صف طبقه کارگر، انقلاب و انسانیت ارائه داد تاکید می‌گذارد.

اگر کسی بخواهد به عمق نظری، دقت تحلیلی، نقد عمیق و انسانی منصور حکمت از نظام حاکم بر جهان پی ببرد؛ با ابعاد انزجار او از نابرابری حاکم بر زندگی بشر، خوش بینی اش بر تلاش بشر برای رهایی از این وضعیت، و عزم و تلاش خستگی ناپذیرش در این راه آشنا شود؛ تصویر عمیقاً انسانی او در باره یک دنیای بهتر را بشناسد؛ از متدش در تحلیل سیاسی و راهگشایی پراتیکی تصویر داشته باشد؛ از تلاشها و ابتکارات و خلاقیتهای سیاسی اش در عرصه سیاست و تاکتیک و سازمان شناخت پیدا کند؛ و بالاخره از تلاش شبانه روزی اش برای سازمان دادن مبارزه واقعی در جهان واقعی علیه این وضعیت تصویر داشته باشد؛ باید سری به کوه عظیم آثار کتبی، سخنرانیها و سمینارها و کنفرانسهای او که در سایت منصور حکمت \* \* جمع آوری شده اند بزنند. و البته برای کسانی که شانس همکاری و هم‌زمی از نزدیک با منصور حکمت را داشتند، عجله دائم و تعطیل ناپذیر او برای رهایی از نکبت و درد و رنج حاکم بر اکثریت مردم جهان و ایران فراموش نشدنی است.

منصور حکمت به جنبش خلاف جریان، جنبشی که فلسفه جودی اش نه گفتن به نظم حاکم سرمایه داری و تغییر آن است تعلق دارد. جنبشی که می‌خواهد نظم وارونه حاکم را روی قاعده خود قرار دهد. آنچه‌ی که منصور حکمت را به سخنگوی راستین این جنبش در جهان معاصر تبدیل می‌کند؛ نقد عمیق و همه جانبه اش و جسارتش در نه گفتن به همه جلوه‌های ایدئولوژیک و سیاسی نظم کنونی است. منصور حکمت کمونیستی است که

مبارزه با جنبشهای اصلی طبقات حاکم، مثل ناسیونالیسم، دمکراسی و رفرمیسم که هر کدام در دوره‌های مختلف به پرچم بخشهای مهمی از چپ تبدیل شده بود، را به مثابه یکی از اولویتهای نظری و سیاسی اش اعلام کرد؛ محتوای واقعی این جنبشها را به درخشانترین وجهی افشا کرد و یک جدال نظری و سیاسی همه جانبه علیه‌شان راه انداخت. مثل همه زمینه‌های دیگر، آثار ارزنده او در این زمینه هم منبع سرشاری از آموزش برای نسلهای آتی است.

در دوره حیات سیاسی منصور حکمت، تحولات مهمی چه در ایران و چه در سطح جهان رخ داد: انقلاب ۵۷ و سرکوب خونینش، عروج اسلام سیاسی، یکه تازی راست تاجری و ریگانی، فروپاشی بلوک شرق و پایان جهان دو قطبی، عروج ناسیونالیسم، ۱۱ سپتامبر و جنگ دو قطب تروریستی، بر زندگی همه نسلهای بیش از سه دهه گذشته اثرات عظیمی برجای گذاشته‌اند. منصور حکمت در هیچ کدام از این مقاطع، امیدش به طبقه کارگر به عنوان رهایسبخش خود و جامعه و همچنان امیدش به آزادیخواهی و عدالت طلبی میلیونها انسان شریف جهان را از دست نداد و در همه این مقاطع تلاشش برای متحد کردن صف کمونیستها، صف مبارزه علیه دنیای تیره و نابرابر را بیشتر و بیشتر کرد. به دو مورد اشاره کوتاهی میکنیم.

## پایان جهان دو قطبی:

وجه مهمی از زندگ سیاسی پربر منصور حکمت مربوط به دوره‌ای است که ارتجاع سرمایه داری عظیم ترین و سیستماتیک ترین هجومش را علیه طبقه کارگر و توده‌های محروم جهان سازمان داد. دوران تیره‌ای که بعد از فروپاشی بلوک شرق بر جهان حاکم شد را کسی نمیتواند فراموش کند. دوره‌ای که در صف بورژوازی برای پیروزی سرمایه داری بازار آزاد و مرگ "کمونیسم" و "پایان تاریخ" جشن و پایکوبی میکردند؛ و در صف چپ، طیف وسیعی در مقابل این هجوم سرگیجه گرفته بودند و باورشان

شده بود که واقعا تاریخ مبارزه برای آزادی و انسانیت تمام شده است. منصور حکمت در چنین دنیای تیره و تاری، پرچم آزادیخواهی، پرچم برابری و انسانیت را بلند کرد و قطب آزادی و برابری و حرمت انسانی را با صلابت و شور و شوق تمام نمایندگی کرد. او با اتکا به نقد عمیق مارکسیستی اش از نظم حاکم و تناقضات و تضادهای محدودیت‌هایش، بر گذرا بودن ابرهای تیره تعرض راست تاکید کرد، روشنایی انتهای تونل تاریک را دید و با عزم و اعتماد بنفسی مختص خود صف بزرگی از کمونیستهای هم‌زمش را برای مبارزه با این وضع متحد نگه داشت و تعداد زیادی را به این صف جذب کرد. آری، در دوره‌ای که مارکسیسم و کمونیسم و مبارزه برای زندگی انسانی زیر توپخانه سنگین تعرض راست قرار داشت و بخش مهمی از چپ با کلاه ناسیونالیسم و دمکراسی بورژوازی در انتظار ظاهر میشدند، منصور حکمت بر حقانیت نقد مارکس از جهان پای فشرده:

"... جدایی از مارکسیسم جدایی از حقیقت است. هزار شوری بیاید و برود تغییری در انتقاد من بعنوان یک مارکسیست نسبت به جامعه موجود، تبیینی که از جامعه شایسته انسان آزاد دارم و نیروی اجتماعی‌ای که برای تحقق این جامعه نوین در متن جامعه فعلی سراغ می‌کنم داده نمیشود." (مارکسیسم و جهان امروز، فوریه ۱۹۹۲، اسفند ۱۳۷۰)

و به این ترتیب او یکدم از تلاش همه جانبه و خستگی ناپذیرش برای متحد کردن، سازمان دادن و رهبری کردن صف بزرگی از انسانهای آزادیخواه و برابری طلب باز نایستاد. تلاشی که نتیجه عملی مشخص اش در ایران، در قامت سربلند حزب کمونیست کارگری ایران متبلور است.

آغاز جهان دو قطبی جدید:

هنوز بوی چرک و خون و کثافتی که با پایان جهان دو قطبی و پیروزی سرمایه داری بازار آزاد دنیا را پر کرده بود به مشام میرسید که قتل عام ۱۱

سپتامبر دنیا را وارد دوره دیگری از رقابت خونین دو قطب بورژوازی کرد. این بار بشریت زیر منگنه دو نیروی مخرب، میلیتاریسم تروریستی دول غرب و تروریسم اسلامی له میشد.

منصور حکمت، با مقاله درخشان "دنیا پس از ۱۱ سپتامبر" به سراغ این وضعیت رفت. اگر چه او نتوانست این مطلب را تمام کند اما در همان مقاله ناتمام، جهنی که قرار بود دنیای بعد از ۱۱ سپتامبر را به کامش بکشد به تصویر کشید:

"جنایت هولناک ۱۱ سپتامبر ... جهان را در آستانه یکی از تاریک ترین و خونبار ترین دوره‌های تاریخ معاصر قرار داده است. آنچه هیات حاکمه آمریکا به آن جنگ جهانی علیه تروریسم اطلاق میکند، در حقیقت ورود دنیا به فاز جدید و ویرانسازی در جنگ جهانی تروریست‌هاست. ... در دو سوی این کشمکش ضد بشری، دو اردوی اصلی تروریسم بین المللی قرار گرفته‌اند که مهر خونین خود را به زندگی دو نسل از مردم جهان ما کویده‌اند."

این متفکر جسور کمونیسم و طبقه کارگر، این مبارز راه رهایی بشریت، این سخنان را زمانی گفت که دو کمپ ارتجاعی، همان دو کمپی که کمی پیشتر گل میگفتند و گل میشنیدند، یکبار به جان هم افتادند و اپوزیسیونهای رنگارنگ، از جمله خیل وسیعی از چپ را دچار سرگردانی سیاسی کردند. بخشی به نام دموکراسی و در دفاع از دمکراسی به دامن تروریسم دول غرب غش کردند و بخشی دیگر به نام مبارزه با آمریکا به دامن اسلام سیاسی افتادند. در متن این سرگیجگی سیاسی، منصور حکمت در همان مقاله با وضوح تمام نشان داد که اولاً، این دو کمپ، این بازیگران اصلی نمایش خونین در جهان، هر دو ارتجاعی هستند؛ و ثانیاً، "این دورنما محتوم نیست، صحنه به دو سوی این جدال محدود نیست" و "یک نیروی سوم، یک غول خفته، وجود دارد که میتواند ورق را برگرداند." او خطاب به بشریتی که به نظر میرسید "قطع امید" کرده اعلام

## از صفحه ۵ به مناسبت دهمین سالگرد ...

کرد:

"این دوره میتواند، اگر این غول بیدار شود، سرآغاز تحولات مثبت و تحقق آرمانهایی در جهان باشد که بشریت در دهه های آخر قرن بیستم دیگر از آن قطع امید کرده بود. بوش و بلر و خامنه ای، آمریکا و ناتو و اسلام سیاسی، نمیدانند که واقعا يك بشریت متمدن، يك جهان متمدن، وجود دارد که ممکن است در این میان برخیزد و در مقابل جنگ تروریستها از خود دفاع کند. علیرغم همه این تاریکی و وحشتی که در برابر ما مردم گرفته اند. قرن بیست و یکم میتواند قرن بربریت کاپیتالیستی نباشد. این روزهای تعیین کننده ای است."

این را فقط کسی میتواند بگوید که علیرغم درد و رنج و غم فراوانش از دنیای سراپا خشونت و رنج و ستم، مقهور توحش خونین تقابل دو قطب تروریستی نشود. منصور حکمت نه فقط به خاطر تعلق خدشه ناپذیرش به آرمانهای انسانی، بلکه بیشتر از آن به خاطر شناختش از پتانسیل بشریت عدالت طلب؛ به خاطر وقوفش به این حقیقت که آنجا که ستم و تبعیض و بهره کشی هست، مبارزه علیه این ستم و تبعیض و بهره کشی هم حتما هست؛ هرگز، علیرغم نیروی مخرب این دو قطب تروریستی، امید و اعتماد و

خوش بینی اش به این "جهان متمدن" را از دست نداد.

قرن بیست و یک فرارسید. منصور حکمت بیشتر از یک سال و نیم این قرن را ندید. زنده نماند تا ببیند که چگونه در آستانه دهمین سال درگذشتش، آن غول بیدار شده است و هر دو قطب را به مصاف طلبیده است؛ که غول جهان متمدن، جهان کارگران، جهان زنان و جوانان انقلابی، این قرن را با شکوه و عظمت تمام آغاز کرده است؛ که بخشی از این غول جهان متمدن در ایران، با نبرد جانانه اش علیه یکی از آن دو قطب تروریستی، علیه یکی از آن حکومتهایی که "عمق رذالتشان با همه آنچه در تاریخ خونین دوران جدید جهان دیده شده برابری می کند"، بقیه جهان متمدن را به تحسین واداشت؛ که یک بخش دیگر آن جهان متمدن، در ویسکانسن و وال استریت و میدان خورشید و ... با قطب دیگر آن توحش جهانی در جنگ و گریز است؛ که خاورمیانه و شمال آفریقا، آنجا که همه رذالتهای اقتصادی و سیاسی دنیای سرمایه

داری در قالب روسای جمهوری مادام العمر چند دهه بهره کشی و تحقیر و توهین را بر میلیونها انسان تحمیل کرده بودند؛ همچنان در معرض طوفانهای انقلابی است. آری همچنانکه منصور حکمت از پیش دیده بود و امید داده بود، آن روزهای تعیین کننده فرا رسید، آن غول بیدار شد و با بلند کردن پرچم حرمت انسانی در اولین دهه این قرن، فریاد زد که نمیشود قرن بیست و یک، قرن بربریت کاپیتالیستی باشد.

یادش گرامی باد \*\*\*

\*مقاله "کشف منصور حکمت" به انگلیسی است و توسط کن مک لاد نوشته شده است. ترجمه فارسی این مطلب که توسط جمشید هادیان انجام شده است، در شماره ۵ کمونیسم کارگری در دسترس خوانندگان است.

\*\*آدرس سایت آثار منصور

حکمت که که محصول تلاش ارزنده خسرو داور است به قرار زیر است: <http://www.hekmat.public-archive.net>

\*\*\*



## کارگران حمل آهن آلات در سندانج ...

از صفحه ۱

می دهد که دستمزد کارگران از بار زدن هر کیلو آهن از ۷ تومان به ۱۰ تومان افزایش خواهد یافت. با این موفقیت کارگران به تجمع خود پایان میدهند.

زنده باد کارگران حمل آهن سندانج و عزم و اتحاد آنها. ما بارها اعلام کرده ایم که دولت بشدت نگران شعله ور شدن خشم میلیونی مردم است و میداند که هر مبارزه جمعی و متحدانه ای بویژه در شهری مانند سندانج اگر ادامه پیدا کند میتواند بقیه کارگران و مردم را به میدان



میکنند و این در حالی است که قیمت آهن بیش از دو برابر شده و هزینه های زندگی سرسام آور بالا رفته است. با پافشاری کارگران و اتحاد و یکپارچگی آنها، اداره کار و کارفرمایان ناچار به عقب نشینی می شوند و همانجا اداره کار قول

## از صفحه ۱ در دفاع از ممنوعیت ...

ادیان و حق والدین" خواند، و همچنین، اسقف های کاتولیک آلمان" می گویند این حکم آزادی دینی یهودیان و مسلمانان را به مخاطره می اندازد.، اینجا می بینیم کشیشان، اسقفها و آیت الله ها و اعوان و انصارشان دست در دست هم بسیج شده اند و اخطار می دهند و از حق آزادی مذهب و حق والدین" چنین دفاع می کنند. کسی هم در میان این

جماعت پیدا نمی شود و بگوید بلاخره حقوق کودک چی؟ آزادی مذهب چه ربطی به کودکی که مذهب ندارد، پیدا می کند؟ و یا می گویند در مذاهب دیگران دخالت شده است اگر این حکم يك ذره حقانیت داشته باشد. باید به این جماعت گفت، خوب چه مشکلی دارید، بگذار هر فرد خودش آزادانه طبق همان حکم، زمانیکه به سن قانونی و بلوغ رسید خود تصمیم بگیرد و این عمل را بر بدن خود انجام دهد. و یا می گویند پس حق والدین چه می شود؟. این حرف هایشان است که در طول این چند سال به روی ما پرت می کنند. ولی فراموش کرده اند که دنیا تغییر کرده است و خوشبختانه جامعه بشری دارد از دورانی که زن و فرزند جزو اموال پدر و شوهر بودند و اینها رسماً حق کشتن شان را داشتند خارج میشود. و با پیشرفت جامعه چنین حتی بشدت محدود شده است. حقوق اولیاء نسبت به فرزند محدود و مشروط به رعایت حقوق انسانی، جهانشمول و قانونی کودک است. این وظیفه قانون در هر کشوری است که این را تضمین کند. همانطور که هیچکس حق کتک زدن یا ارباب کودک را ندارد، همانگونه حق ختنه کردن کودک را هم ندارد. این کودک آزادی جزو حق هیچ کسی نیست. ممنوع کردن ختنه و محدود کردن سنتهای عشیرتی پدران و شوهران، شرط حیاتی برخورداری کودکان از حقوق انسانی و ابتدایی آنان است.

بنا براین چرا در میان این

از زبان يك کودک یازده ساله بشنویم: مادر ممنون از اینکه من را ختنه نکردید. ولی دوست دارم بدانم که شما چرا این کار را نکردید. مادر می گوید: فرزندم این مسئله داستانی مفصل است. فقط می خواهم بگویم که دنیای من تغییر کرده است هر چند من هم در خانواده ای به دنیا آمده ام که از چنین سنتی تبعیت می کردند ولی من این تابو را شکستم و هیچ منفعتی هم در آن نداشتم و به همین دلیل نخواستم در مورد بدن تو تصمیم بگیرنده امری باشم که غیر قابل برگشت است. این طور فکر کردم که زمانی خودت به سن قانونی رسیدی خودت باید تصمیم بگیرنده باشی که آیا می خواهی چنین عملی را انجام بدهی یا نه. پسر: دو باره ممنون و متشکرم مادر از تصمیم درستی که گرفتید. حرف واقعی ما هم همین بوده و هست که بگزار فرد در مورد بدن خودش خود تصمیم بگیرد وقتی که به سن قانونی رسیده هر گونه اختیار و تصمیمی با خود فرد است. تعرض به حریم کودک ممنوع! حقوق کودک جهانشمول است و این مرزها خیلی وقت است در نوردیده شده است. همانطور که در دنیای امروز تنبیه کودکان ممنوع است، ختنه کودک هم باید ممنوع باشد. امیدواریم تصمیم دادگاه کلن و مبارزه قاطع ما به این نتیجه بینجامد که ختنه کودکان نه فقط در آلمان بلکه در تمام دنیا ممنوع شود!

**زندگی شاد، ایمن و خلاق حق مسلم کودکان است!**

کمیته کردستان

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۵ تیرماه ۱۳۹۱،

۵ ژوئیه ۲۰۱۲



## زندگی نامه من (بخش بیست و دوم)

زمانی بنا به شرایط ناچار شده بودند زیر پرچم مشترکی سنگر بگیرند و اکنون که شرایط عوض میشد این گرایشات داشتند پرچم خود را روشن تر به حرکت در می آوردند. حزب کمونیست ایران حاصل مبارزه با پوپولیسم و کمونیستهای بورژوازی بود که تحت نام مارکسیسم مبارزه می کردند. این حزب وظیفه داشت پرچم مبارزه طبقه کارگر و مارکسیسم انقلابی را برافرازد و مارکسیسم را از زیر آوار سوسیالیستهای بورژوازی بیرون بیاورد. اینکار تا حدود زیادی شده بود و مارکسیسم انقلابی از این مرحله سربلند بیرون آمده بود. اما مشکل این بود که خود مارکسیسم انقلابی هنوز بقول منصور حکمت بطور اجتماعی پایه اش در جنبشهای طبقات دیگر بود و برای نمایندگی کردن طبقه کارگر آنهم در آن شرایط حساس تاریخی که دیگر مارکسیسم از مد افتاده بود و کمونیستها را به مسلخ می بردند، کافی نبود. برای مقابله با این دوره یک حزب روشن و رادیکال و بشدت مارکسیست و موثر در دنیای پیرامون خودش و از همه مهمتر یک حزب یک بنی لازم بود و تلاشهای منصور حکمت هم در همان راستا بود.

بحثهای کمونیسم کارگری را منصور حکمت مدتی قبل از آن به نوعی در کنگره دوم حزب مطرح کرده بود. اما چند ماه بعد از کنگره سوم در ماه مارس ۱۹۹۸ در اولین سمینار کمونیسم کارگری مفصل تر و با جزئیات بیشتری این بحث را و هدف از پرداختن به آن را مطرح کرد. او معتقد بود که حزب کمونیست ایران هنوز با آن حزب اجتماعی که باید انقلاب اجتماعی طبقه کارگر را رهبری کند فاصله زیادی دارد و با این بحثها و این کمپین امیدوار بود بتواند این تغییر ریل را در حزب بوجود بیاورد و آنرا تبدیل به یک حزب کمونیست کارگری کند. او در اولین سخنرانی میانی کمونیسم کارگری در اینمورد می گوید: "بنظر من حزب کمونیست با همه تلاشهایی که در آن میشود، هنوز متأسفانه حزب دانش آموختگان

ایرانی است. امروز التفات و توجه کارگر به این حزب خیلی بیشتر از هر جریان دیگری است. بخش وسیعی از اعضای این حزب کارکرد. اما من از شما سوال می کنم، کارگر در چه ظرفیتی وارد این حزب میشود و در چه ظرفیتی کار می کند؟ کارگر وقتی به این حزب می آید، موقعیت اجتماعی خودش را رها می کند. یعنی برای اینکه به حزب ما بپیوندد از آن جنبش اعتراضی اجتماعی جدا میشود. این علیرغم تلاش ما قاعده عمومی است. هرچند استثنائاتی هم هست. ولی وقتی یک کارگر به حزب کمونیست ایران می پیوندد از انسان اجتماعی مارکس به انسان طبیعی فوریخ تبدیل میشود! ضللت اجتماعی او، کارگر بودنش و تعلقش به یک صف مبارزه و اعتراض جاری اجتماعی علیه سرمایه از او سلب میشود" بنابراین منصور حکمت تلاش می کند حزب کمونیست را تبدیل به حزب طبقه ای بکند که اجتماعا می تواند رهبری کننده انقلاب سوسیالیستی باشد.

این نوع بحثها طبیعتا به مزاج عده ای خوش نمی آمد. بعضیها که سرشان را بر بالین حزب گذاشته بودند و به خیال اینکه این کشتی دارد به حرکتش ادامه می دهد آسوده خوابیده بودند، ظاهرا با این بحثها آشفته میشدند. دیگران که کردستان و مبارزه مسلحانه را مرکز ثقل فعالیتهاشان قرار داده بودند از اینکه منصور حکمت این بخش از مبارزه را فقط نوك کوه عظیم یخی می دانست که بدنه آن در واقع در شهرها و در میان محافل کارگری قرار داشت، ناراحت میشدند. اما اساسا موضوع این بود که گرایشات مهم درون حزب از جمله ناسیونالیسم کرد، که سالها بود سکوت اختیار کرده بودند، موقعیت منطقه را بنفع خود می دیدند و داشتند دوباره سربلند می کردند.

از مدتها قبل از رسیدن نوارهای سمینار کمونیسم کارگری به کردستان، کمپین وسیعی از طرف مخالفین این بحثها بصورت پچ پچهای محفلی سازمان داده شده بود که عمدتا مبتنی بود بر وارونه جلوه دادن بحثها، افترا و ترور شخصیت و هدف اصلی آن این بود که قبل از رسیدن بحثها چنان فضا را آلوده کند که کسی حاضر نباشد این

بحثها را بپذیرد و در واقع تشکیلات را به نوعی شورش برعلیه منصور حکمت و دیگر اعضای رهبری طرفدار بحثهای او تشویق کنند.

با رسیدن نوارها و شنیدن بحثها، کل تشکیلات درگیر موجی از بحث و جدل پر حرارت شد که تا آزمون در میان ما سابقه نداشت. در سلف سرویس و مقر و محل کار و چادر و گوشه کنار اردوگاه، افراد را میدیدی که دارند با هم بحث می کنند و با حرارت برعلیه همیگر استدلال می آورند و سعی می کنند همدیگر را قانع کنند. ارگانها و واحدها در مورد این بحثها جلسه تشکیل می دادند و جلسات متعدد وسیعی در سطح اردوگاهها و گاهای سراسری تشکیل میشدند که مخالفین و موافقین در مورد این بحثها نظر می دادند. من کمتر وقتی دیده بودم که مانند آنروزها سالنهای جلسات مالا مال از جمعیت باشد و همه با علاقه سیر بحثها را دنبال کنند.

علی از همان اول (حتی قبل از رسیدن نوارها) موضعش را روشن کرده بود و سفت و سخت طرفدار بحث چپ (منصور حکمت) بود و صبح تا شب با این و آن بحث می کرد. همیشه تا چند ساعت بعد از غذا و تا وقتی که گروه کارها زمین سلف سرویس را می شستند و او و کسانی که هنوز انرژی بحث کردن داشتند را بیرون می کردند، آنجا می ماند و حرف میزد. هیچوقت نمی دانستم از کجا اینهمه استدلال و دلیل و برهان برای حرفهایش پیدا می کند. من برخلاف او زیاد حوصله بحث کردن نداشتم. از همان ابتدا موضع روشن بود و هرجا لازم میشد از بحثهای کمونیسم کارگری دفاع می کردم اما مثل علی زیاد مستدل نبودم و بیشتر وقتها با لجبازی خاص خودم در مقابل همه استدلالها من فقط همان حرفها را تکرار می کردم و معمولا زیاد خودم را به دام بحثهای کشف نمی انداختم. اولاً که از اختلاف نظر و تنش و کشمکش می ترسیدم و نگران بودم که با حرفهایم دیگران را ناراحت کنم. دوما علیرغم اینکه خیلی کتاب می خواندم و توی دلم خیلی حرف بلد بودم، اما هیچوقت سخنور خوبی نبودم و هنگام حرف زدن بیشتر آن حرفها یادم می رفت و خیلی زود در یک گوشه گیر می

افتادم.

در آن شرایط هیچکس بدون موضع نبود. حتی کسانی هم که دوست نداشتند موضع بگیرند هم ناچاراً در مقاطعی مجبور میشدند موضع خودشان را معلوم کنند. بعضیها چند بار اینور و آنور شدند اما نهایتاً موضع قطعی خود را چه در جلسات و چه هنگام رای گیریها روشن کردند. سوالهای رایج آن روزها بیشتر این بود که "کدام طرفی هستی؟" "فلانی چپ است یا راست؟" در ارگان شما راستها بیشترند یا چپها". آتهائی که بعد از انقلاب ۵۷ در شهری مثل تهران زندگی کرده بودند و با بحثهای جلو دانشگاه آشنا بودند، می گفتند فضای پر حرارت بحثهای اردوگاه از خیلی جهات مانند جلو دانشگاه بود. حتی دوستان نزدیک هم با هم دعوا می کردند و خیلی از دوستیها دچار مشکل شده بود. انگار خودبخود فاصله ای ایجاد شده بود که دیگر نمی شد با کسی که تا دیروز دوست بودی، به همان سادگی گذشته رابطه ات را ادامه دهی. بندرت میشد در مورد یک موضوع معمولی با کسی حرف زد و از وارد شدن به بحثهای چپ و راست خودداری کرد. یکروز دکتر اسماعیل را دیدم که با همان منطق ساده و صریح خودش یکی از روشنفکران پر پا قرص راست را به تنگ آورده بود و درحالی که طرف از غیض سیلپهایش را می جوید، به او می گفت "بیچاره تو دیگر چی میگی، باز پرولتاریا زنجیرهایش را از دست می دهد، تو حتی زنجیر هم نداری که از دست بدهی!"

کمیته رهبری کومله جلسه ای برای مسئولین ارگانها سازمان داد و بحثها را به روایت خودش منتقل کرد. مسئول مرکز پزشکی وقتی برگشت برای همه ما جلسه گرفت و موضع کمیته رهبری و اختلافات موجود را برای ما بازگو کرد. در مرکز پزشکی اکثریت بالائی با گرایش چپ بود و مسئول مرکز و پزشکی و چند نفر دیگر معدود افرادی بودند که از کمیته رهبری کومله دفاع می کردند.

خیلی زود معلوم شد که توده تشکیلاتی در همه جا، مخصوصاً در کردستان اکثراً پشت سر منصور حکمت و بحثهای کمونیسم کارگری

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

## سوئد:

Sweden  
Post Giro: ۶۳۹۶۰۶۰۳  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

## آلمان:

Germany  
Rosa Mai  
Konto. Nr.: ۵۸۳۶۷۵۰۲  
Bankleitzahl: ۳۷۰۱۰۰۵۰  
Post Bank

## کانادا:

Canada  
ICRC  
Scotiabank  
۴۹۰۰  
Dixie Rd, Mississauga  
L4W2R1  
Account #: ۸۴۳۹۲۰۰۲۶۹۱۳

## هلند:

Bank: RABOBANK  
Darandehesab: FVIVN  
Shomarehesab: ۱۵۱۳۵۰۲۴۸  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NLY۷۲۴ RABO ۰۱۵۱۳۵۰۲۴۸

## آمریکا:

Bank of America  
G Street, Blaine, Wa ۹۸۲۳۰۲۷۷  
phone # ۱-۳۶۰-۳۳۲-۵۷۱۱  
Masoud Azarnoush  
Account number: ۹۹-۴۱۵۸۱۰۸۳  
wire: ABA routing # ۰۲۶۰۰۹۵۹۳  
Nrsswift code: BOFAUS

## شماره حساب انگلیس

## ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:

England  
Account nr. ۴۵۴۷۷۹۸۱  
sort code: ۶۰-۲۴-۲۳  
Account hold: wpi  
branch: Wood Green  
Bank: NatWest  
NWBK IBAN: GB ۷۷ NWBK۶۰۲۴۲۳۵۴۷۷۹۸۱  
BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

## از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

## کانادا و آمریکا:

فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

## از ایران:

عبدل گلپریان: ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

او دارند و می‌خواهند برای متحقق شدن آن تلاش کنند را لازم دارد.

در هر حال پلنوم با قاطعیت مباحثات راست را رد کرده و رفتار غیر اصولی و کمپین ترور شخصیتی را که این گرایش براه انداخته بود یک عقب نشینی آشکار از پرنسپها و اصول پذیرفته شده حزب دانست و از کمیته رهبری کومله خواست که استعفا دهند. عمر ایلیخانی زاده در حالی که گریه می‌کرد، از کار خودش معذرت خواست و استعفا داد. چهار نفر بعدی هم همگی استعفا خود را اعلام کردند. پلنوم با استعفا همه آنها بجز ابراهیم علیزاده موافقت کرد و کمیته رهبری جدیدی را برای کومله تعیین نمود. همچنین تصویب شد که نوارهای این پلنوم وسیعا در میان اعضای حزب پخش شود که همه از نتیجه این دور از اختلافات مطلع باشند. این یک پیروزی بزرگ برای حزب بود و در حالی که نوارهای پلنوم را در مقر مرکز پزشکی گوش می‌دادیم، می‌دانستیم که این یک قدم را برداشته ایم اما هنوز راه درازی در پیش داریم.

ادامه دارد

ابراز وجود این گرایش را نباید در این حزب تحمل کرد. او در این سخنرانی به جمع‌بندی از اتفاقات آندوره پرداخت و نشان داد که سه گرایش اصلی در حزب کمونیست ایران عمل می‌کنند گرایش راست ناسیونالیستی که اساسا ناسیونالیسم کرد را نمایندگی می‌کرد و پرچم آن در دست کسانی مانند عمر ایلیخانی زاده و ساعد وطن دوست بود (عبدالله مهتدی هنوز آندوره با راست نرفته بود و در صف چپ قرار داشت)، گرایش سانتر یا مرکز که از همه گرایشات دیگر قویتر بود و اساسا مشغله اش حفظ تشکیلات و آرمیدن بر بالش دستاوردهای تاکتونی حزب بود (ابراهیم علیزاده در راس این گرایش بود) و گرایش چپ کمونیسم کارگری به رهبری خود منصور حکمت. علیرغم دفاع قاطع و وسیع تشکیلات از بحثهای او، منصور حکمت هنوز معتقد بود این صفت‌نویسی نهایی نیست و گرایش کمونیسم کارگری اتفاقا تنها یکی از گرایشات و آنهم نه خیلی قوی در حزب است. او مکررا می‌گفت که موافق نمی‌خواهد، بلکه همفکر و کسانی که معضل و مسائلی مانند

## زندگی نامه...

از صفحه ۷

صف بسته است. در کردستان مخصوصا این کمی خلاف انتظار بود. گرایش راست امیدوار بود که در کردستان نیروی بیشتری را با خود ببرد. هرچه باشد اینها کادرهای کردستان حزب بودند و شخصیت‌های با نفوذی مانند ابراهیم علیزاده با این گرایش رفته بود. اما از همان روزهای اول معلوم شد که این یک امید واهی بیش نیست. یک نامه نوشته شده و به امضای بیش از چهارصد و پنجاه نفر رسید که با قاطعیت از حرفهای منصور حکمت دفاع می‌کرد و از او می‌خواست حزب را در دست بگیرد و نظرات خود را پیاده کند. همه ما که طرفدار بحث چپ بودیم این نامه را امضا کردیم و برای منصور حکمت فرستادیم.

پلنوم شانزدهم کمیته مرکزی مقطع تسفیه حساب با راست درون حزب بود. منصور حکمت در سخنرانی پیش از دستور این پلنوم اعلام کرد که حزب کمونیست ایران جای گرایش راست نیست و هیچ نوع

## توجه توجه

تلویزیون کانال جدید بر روی شبکه KURD CHANNEL پخش میشود

کانال جدید هر شب از ساعت ۹:۳۰ شب به وقت ایران به مدت ۲ ساعت پخش میشود

مشخصات ماهواره:

هات برد ۸

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۴۷۰ عمودی

اف ای سی ۵/۶

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

لطفا کیفیت دریافت برنامه را با ایمیل آدرس زیر به اطلاع ما برسانید

nctv.tamas@gmail.com

همکار نشریه ایسکرا: آوات فرخی

E-Mail: awat.farokhi@yahoo.com

اساسی سوسیالیسم انسان است.  
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!